

۱۶۸۳

کلیان اندیشه	مجله
فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵	تاریخ نشر
۶۵	شماره
۶۵	شماره مسلسل
قم	محل نشر
فارسی	زبان
علی مطوری	نویسنده
۱۴۵ - ۱۵۶	تعداد صفحات
پژوهشی در تفسیر علی قرآن کریم	موضوع
	سرفصلها
	کیفیت
	ملاحظات

۴۷۶

۴۷۶

عقل را در طی طریق لنگ دیده‌اند، و عارفان و اهل ذکر که در کشف حقایق قرآنی و معارف عمیق الهی، پای استدلالیان را چوبین و بی‌تمکین یافته‌اند، با رهنمود آیاتی چند از خود قرآن کریم، برای تفسیر و فهم آن از «معرفت شهودی» استمداد طلبیده و در حوزه «عرفان» به کند و کاو و شناخت حقایق مصحف شریف مبادرت نمودند.

فقطا نیز از منبع فیض آیات الاحکام مستفیض بوده و خصوصاً در عصر غیبت در اجتهاد و استنباط احکام از این بجهت نور مستفید گشته‌اند. به این روش علمی و اخلاقی نیز برای انبیا و تزکیه نفوس ناسد بعد از انجالی و آرزوی آیات الهی را منور کرده تفسیر و تفصیل قرآن در دهرین قلوب را به نور قرآن منور ساخته‌اند. به سبب این امر جمعی نیز با اشتیاق و تمسک به آیات «آقای و عصمت انفسی» و سفارش قرآن کریم مبنی بر لزوم «تفکر» و «نظر» در کتاب، تکوین و یادگیری علمی، قرآن مجید را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند. به این سبب و خلاصه، صاحبان عقل، سائنس و قلب سلیم در این طول تاریخ تفسیر، هر کدام به قدر «طاقیت اشیری» برای فهم «مراد الله» و حقایق قرآن کریم در ذلالت بجزئیات عمیق و بی‌پایان به غور و غواصی پرداخته و هر کس که به قدر نظر فیتش از این «آیات حیات» پوشیده و همه هر کس بر استیلا قابلیت استفاضه و هر چه علمی و تقوی و در وجه تطهیر باطن و تمسک به معرفت طاهره از بواطن نورانی و ژرف این کتاب الهی بهره‌ای برده است، بی‌شک و تردید در این تحقیق و در این تفسیر قرآن کریم را تفسیر علمی و معرفتی نماییم و میزان مشروعیت و اصحاح سوابق تاریخی، ادله و موافقان و مخالفان و ابواب مهمترین اصول و مبانی این روش تفسیری را بیان داریم.

الف - سوابق تاریخی

تفسیر علمی قرآن کریم، گرچه یک پدیده قابل توجه در عصر حاضر است و تاکنون کتب و مقالات زیادی در رد و قبول آن نگارش یافته، اما این روش تفسیر، ویژگی عصر حاضر نبوده و از قدمت تاریخی قابل توجهی برخوردار است، و تفسیر آیات قرآن کریم به مدد کشفیات علمی اعم از «فرضیه و تئوری» و «قانون» در میان متقدمین و متأخرین طرفداران و دلبرستانی داشته اما بلوغ گرایش به این شیوه در تفسیر و اوج آن، در قرن اخیر (قرن ۱۴ هجری) است.

پیشرفت‌های خیره کننده علوم و فنون در چند قرن اخیر - خصوصاً قرن معاصر - و موفقیت‌های بی‌در پی بشر به حل مجهولات و کشف افق‌های جدید در دانش و معرفت که منجر به تشط هر چه بیشتر اوج زمین و آسمان آن و تیر و تغییرات مشهود در ظاهر زندگی فردی و اجتماعی او شده است. از یک سو وجود آیات متعددی در قرآن کریم که در آنها به مسائل «کون» عالم آفرینش اشارت رفته است، قائلین به تفسیر علمی و شماری از دانشمندان علوم تجربی و طبیعی را بر آن داشت، تا آنان نیز همچون سایر گروه‌های مردم، به تدبیر و تحقیق در قرآن کریم پرداخته و با استفاده از تخصص‌های مختلف نظیر: طب، نجوم و هیأت، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی و... آیات کونیه را تبیین، و هر کدام به گونه خود وجهی از وجوه لایتناهی اعجاز قرآن را به جویندگان معارف عالیه، عرضه بدارند.

رهروان این شیوه از تفسیر قرآن کریم، معتقدند که خداوند تعالی با اشاره به شگفتیها و اسرار آفرینش آسمانها و زمین و ستارگان و نیروهای شگرف موجود در آنها و رموز اعجاب آمیز خلقت انسان، تحقق هدایت واقعی را به

تفسیر

تفسیر

تفسیر قرآن کریم در عصر حاضر

تفسیر قرآن شود باینستی از علوم شریعی، اعم از اصول و فروع و علوم غریبیت آگاهی نداشته، و به علوم هستی شناسیانه، احاطه داشته باشد تا بتواند در پرتو آن قادر به تبیین نشانه های هدایت قرآنی باشد و بر اهداف قرآنی استدلال نماید. وی استفاده از این علوم هستی شناسانه در تفسیر را برای فهم «نص قرآنی» لازم می داند.^{۱۴}

روزی بیست و چهارم از ایازاب «آداب تلاوت قرآن» را به فهم قرآن و تفسیر به رأی بدون استفاده از نقلی اختصاص داده، ضمن اشاره به اینکه قرآن شامل علوم اولین و آخرین است، از بعضی از علما نقل می کند که قرآن کریم شامل «۷۷۲» علم است. قرآن هر کلمه قرآن یکدغیم است و چون هر کلمه ای ظاهری و باطنی و وحیدی و قطعی دارد، بنابراین تعداد کلمات قرآن (۷۷۲) را باید ضربین و چهار کرد، تا تعداد علوم قرآن حاصل شود.^{۱۵}

گرایش علمی غزالی در تفسیر، در کتاب دیگر وی (جواهر القرآن) نیز انعکاس دارد. وی «فصل فی» از این کتاب را به چگونگی انشعاب علوم ندیده از قرآن و تقسیمات آن اختصاص داده و علوم قرآن را به دو قسم تقسیم می کند: «العلم بالقرآن» و «العلم فی القرآن». «العلم بالقرآن» که آن را شامل تعلیم لغت، قراءات، مخارج، حروف و تفسیر ظاهر می داند و «العلم فی القرآن» (هسته) که متعلقات آن را، علم تاریخ، کلام، فقه، اصول فقه، علم به خدا و روز و معاد و صراط مستقیم و طریق سلوک دانسته است. در «فصل پنجم» این کتاب از کیفیت انشعاب سایر علوم (همچون تعلیم طب، نجوم و هیات، ساختن بدن حیوان و تشریح اعضا، بلدن و علم سحر و...) از قرآن سخن به میان آورده است. وی می گوید: «...»

نگرش و شناخت دقیق این آیات و اسرار آفرینش و پدیده های آن دانسته است. و بدین ترتیب، تفسیر خود را گامی به سوی معرفت حق تعالی و کشف و شناخت واقع بینانه آفرینش و قدرت او دانسته اند، همو که در تقویت ایمان و هدایت بشر، به شدت مورد نیاز است.^{۱۶}

طرفداران و سالکان روش علمی در تفسیر، معتقدند که تفسیر علمی عهده دار بیان جنبه های اعجاز قرآن کریم است که چه بسا از دید نحوی و اصولی و متکلم و... ناپیدا می نماید.

پیشتر از این، بیان شد که گرایش به تفسیر علمی، از قدمت تاریخی قابل توجهی برخوردار است و این شیوه تفسیری در میان مفسران کهن نیز پویندگانی داشته است. از جمله این مفسران که آثار و تألیفات آنان در اختیار است می توان از ابو حامد غزالی، فخر رازی، ابن ابی الفضل المرسی، زرکشی و سیوطی نام برد. این مفسران اگر چه در اشتغال قرآن بر علوم گذشته گان و آیندگان متفق القول بوده اند اما میزان و نحوه گرایش آنان بسیار گوناگون و مختلف بوده است.

مبارای بیان چگونگی این اختلاف، برای تفسیری یکی از متقدمین (غزالی) و یکی از متأخرین (طنطاوی) را به بحث می گذاریم تا ضمن مقایسه این دو، میزان و نحوه تأثیر علوم بر دانش بشری را بر افکار و اندیشه های یک «مفسر» بنمایانیم.

امام ابو حامد غزالی (۵۰۵ هـ) از جمله مفسرانی است که معتقد به اشتغال قرآن بر کلیه علوم گذشته گان و آیندگان بوده است. وی معتقد بود که هر کس بیخواهد متعرض

مطالعه ایشان در جهان طبیعت و فراگیری علوم جدید، قلمداد کرده است.^(۱۷) وی نیل به معرفت کامل خداوندی را فقط از راه علم ممکن می‌داند.^(۱۸) بقای حیات امت اسلامی را نیزه در گرو علم، لذا در جهت عمل به این وظیفه مهم (از روم معرفت خداوند و بقای امت اسلام) دست به تألیف این تفسیر زده است.^(۱۹)

میزان بهره‌وری از علوم در تفسیر جواهر طنطاوی در نحوه و میزان بهره‌برداری از علوم در تفسیر خود، در میان تمامی همقطاران خود شاخص شده است. وی در جای جای تفسیر خود از مباحث هستی‌شناسانه و نمایش عکس و جداول و اقوال دانشمندان علوم طبیعی، استفاده کرده است. و از این مباحث علمی به عنوان پیش‌درآمدی برای مباحث مهم‌تر خود (یادآوری قدرت و عظمت خالق) استفاده کرده است. گرچه در باره تفسیر جواهر گفته شده است که در آن همه چیز هست جز تفسیر.^(۲۰) لکن باید تصدیق کرد این اقدام طنطاوی از روی حسن نیت و دلسوزی برای چیران خاندان علمی در جوامع اسلامی است، و آیات قرآن بهانه‌ای برای تحقق آرمان و خواسته او شده است. طنطاوی با استناد و تفسیر آیات مختلفه، مباحث مفصلی از علوم گوناگون را مطرح کرده است، از آن جمله:

علم گیاه‌شناسی،^(۲۱) در ذیل تفسیر آیه ۱۴ سوره نبات: *وَاترلنا من المیصرات ماء نجا جارا لئلا یرج به حیاً و نباتاً و جنات الفریقا*،^(۲۲) علم ستاره‌شناسی،^(۲۳) در ذیل تفسیر آیه ۸۹ سوره صفات: *وینظر نظرة فی النجوم قال لانی ستیم*،^(۲۴)

است، در حالی که علوم طبیعت برای نیل به شناخت خداوند و حیات انسانهاست،^(۲۱) لذا آموختن علوم جدید برای مسلمانان واجب است، تا بدین وسیله از ذلت و حقارتی که آنها را در بر گرفته رهایی یافته^(۲۲) و بتوانند دوباره مجد و عظمت باز دست یافته خود را باز یابند. وی از اینکه مسلمانان ندای اسلام به علم و دانش را فراموش کرده و گرفتار نادانی شده‌اند و جهان غرب در دانش و تکنولوژی از آنها پیشی گرفته است، اظهار تأسف می‌کند.^(۲۳) چرا که رادر این می‌داند که مسلمانان با هم از در همکاری در آمده و امت اسلامی را در سرزمین‌های آفریقا و آسیا از بندگی پر هاندرا و این مسئولیت رالز آن تمامی مسلمانان دانسته، چاره را در این می‌داند که پای درس تفسیر او بنشینند و شش‌بده درس گرفتن از آن، علم را بین امت مسلمان، پراکنده سازند.^(۲۴)

بزرگداشت علم به استناد به آیات و بزرگداشت علم در تفسیر جواهر چایگاه ویژه‌ای دارد. طنطاوی می‌گوید که: اسلام به تحصیل علوم امر کرده و مرتبه علم از مرتبه عمل بالاتر است. وی نظری کردنی در طبیعت بنا به آیه شیرین و انظر و ایاذ فی البسوات و الارض^(۲۵) (یونس: ۱۰۱) و آیات عذیده دیگر، را امری واجب می‌داند، چرا که خداوند صریحاً به آن امر کرده است. وی می‌گوید که: مسلمانان همانگونه که کتابهم مقدس (قرآن) را می‌خوانند، باید نوشته‌های هستی‌آ را بخوانند.^(۲۶) طنطاوی ضمن اذعان به اینکه، خیر و برتری نسبت به وجود خالق در حالت شک و حیرت به بر می‌برد و به دنبال پاسخ قانع‌کننده عقلی بود، عامل اعتقاد خود به خداوند و وحدانیت او را برهون

برای پیشرفت امور و توسعه و اختراعات و اکتشافات
 فزاینده بشر و کار ادا در تفسیر قرآنی است. پس علمای
 اسلامی هستند که بدون وجود باعجاز علمی قرآن دقت
 بیشتری نمایند و بیایمانان را برانگیزند و علمای آن مردم
 بیشتری را به سوی خدا و اسلام هدایت کنند؛
 گرچه قرآن کتاب زمین شناسی و نجوم و... نیست؛
 بلکه کتاب هدایت است. اما خفایا پندیده‌ها و
 بی‌خودان هم به اجمال و هم به تفصیل در آن بیان
 شده است. (۴۷)

۱- فهم عبارات قرآن باید منطبق با آنچه معربان
 اصیل آن می‌فهمیدند باشد و امکنیدند از خود
 فهم و ادراک آنها از الفاظ و عبارات قرآن تجاوز
 نکنیم. زیرا قرآن کریم در آن جا می‌گوید: «و با آن فرهنگ
 نازل شد فرو می‌خاطران آن در درجه اول همانها
 هستند لهذا برای باید معانی آن الفاظ و حدود و
 استعمال آنها را در زمان نزول قرآن بدانیم و بلاهر
 گونه «توسیع» در کاربرد الفاظ نازل می‌شود معانی متغیر
 زمان نزول، پرهیز کنیم. (۴۸)

۲- تسکین تمام او و بی‌سالت و لغت قرآن کریم و دین و
 اعتقاد است. پس در علوم (۴۹) باید که...
 ۳- استفاده از نظریات علمی در فهم بیشتر
 آیات قرآن کریم اشکالی ندارد، اما تحمیل نظریات
 بر قرآن که به طبیعت حال، در معرض تغییر و تحول
 هستند، جایز نمی‌باشد. بعضی از تفسیرات علمی
 موجود، دیرینه‌تر و مسائل از اعراض علم او قرآن را
 سبب خوار شدن شده (۵۰) ...
 ۴- تفسیر علمی از قرآن در واقع همان «تأویل»
 متکلفانه آن است که پسندیده نیست (۵۱) ...

احوال آسمانها و زمين و ماه و خورشيد و جاذبه و ...
 سخن به میان آمده است و تزیین و تفسیر بر این آیات
 جز از طریق علم ممکن نیست (۵۲) ...
 ۵- قرآن کریم به صورت دقیق و اصولی و
 جزئیات عالم مادی را در قرآن بیان کرده به گونه‌ای
 که احدی در هنگام نزول قرآن با این علوم (۵۳) آشنایی
 نداشته است. و تنها علوم جدیدی است که مؤلف و
 شاهدهی براه صحت علوم قرآن است (۵۴) و بیانگر
 اعجاز علمی کتاب الهی است.

۶- در این عصر که عصر پیشرفت علوم
 است، شایسته نیست که مفسر قرآن بی‌اطلاع از
 علوم باشد و قرآن را همانگونه تفسیر کند که
 در صدر اسلام مفسران معمولی در این صورت
 فرست طلبان تصور خواهند کرد که اسلام مخالف
 علم است و با پیش این شعار مانع پیشرفت اسلام
 می‌شوند (۵۵) ...
 ۷- تفاسیر علمی به مشکل تعارض بین «علم» و
 «قرآن» را از بین می‌برد و مردم به خوبی خواهند دید
 که اقوال قرآن در دنیا بسیار پیشرفت یافته و کشفیات
 آن روز علم است. آنچه معجزه علمی قرآن، مردم را
 غریبها را به سوی خود خواند کشید و الا با طرح
 و تجزات دیگر هم چون «شق القیصر» که هدایت
 نمی‌شوند. (۵۶)

۸- تفسیر آن کمترین به آنجا که معنی نخواهد «راه
 هدایت کردن» مردم به رسول اکرم (صل) را آموزش
 دهد، معنی فرماید «ادع الی فی سبیل ربک بالحکمة
 و البویعة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن» (۵۷)
 بنابراین باید با افراد از هر قشر و مذهب و ملیت و
 نژاد و زبان خود صحبت کرد، با عوام الناس،
 با موعظه و نصیحت و با دانشمندان زبان علم
 و حکمت (۵۸) ...
 ۹- خدا در کتاب اعجاز لغوی قرآن برای غیر عربی
 بسیار مشکل آفرینش را بیان علمی اعجاز قرآن

۵- نظریات علمی در اونی ندرت و حقایق علمی هم مطلق نیستند. اگر ما قرآن را به این نظریات متغیر و احتمالی ارتباط دهیم و صحت قرآن را مشروط به صحت این نظریات بگردانیم و بعد معلوم شود که این نظریات باطل شده و اعتبار خود را از دست داده است، چه بر میسر قرآن نخواهد آمد؟ پس صحیح نیست که حقایق قطعی قرآن کریم را مشروط به حقایق غیر منطقی و غیر نهایی معلوم بشری بکنیم. (۵۲)

۶- در هیچ جایی نمی بینیم که صحابه و تابعین که دانایان مردم بودند از رسول اکرم (ص) بنسب قرآن بوده اند، از روش علمی برای تفسیر قرآن استفاده کرده باشند. و اگر آنان در این مورد اقدام و بررسی داشتند قطعاً به مایخیزی از آن می رسیدند. (۵۳)

۷- اگر بوجه اعجاز علمی قرآن را از آنچه اعجاز قرآن بشماریم، معنایش این است که قرآن کریم که مردم زمان نزول را (اعراب نامی و بیسواد) که هیچ اطلاعی از علم به معنای دقیق کلمه نداشتند، به تجدی فراخوانده است! و این را اصولاً باعث تسخینه اعجاز قرآن نمی شود، زیرا آنان از درک مسائل علمی عاجز بوده اند. و این تجدی از اساس باطل بوده است! (۵۴)

۸- قرآن کلمات طنبی و فلسفه نیست و مقصدش بالاتر از اینهاست. آیاتی که دعوت به تفکر و نظر در ملکوت آسمانها و زمین می نمایند، به قصد هدایت و مواعظه و توجه به قدرت خداوند و وحدانیت او است نه به قصد بیان نظریات علمی! (۵۵)

۹- آیات هستی شناسانه در قرآن کریم برای تشویق و انگیزش عقول به تدبیر در عظمت خالق و آفریننده جهان آمده است، نه اینکه تأیید برای یک فرضیه و نظریه تحالض علمی باشد. (۵۶)

۱۰- اصول و مبانی تفسیر علمی مقبول، مسا در ضمن، بیخه های گذشته دلائل مخالفان و موافقان تفسیر علمی قرآن کریم را بیان داشتیم. حال بر آنیم که پاره ای از اصول و مبانی لازم را که می توانند در حجیت بخشیدن به تفسیر علمی مؤثر واقع شوند، بطور کلی که اگر تفسیر در تفسیر خودی، این اصول و مبانی پایتند و ملزم نباشد، تفسیر او از مصادیق آتفسیر به رأی و نخواهد بود. مطرح نماییم:

۱- قرآن معوری

مفسر قرآن باید بداند که قرآن متعجزه جاویدان پیامبر اکرم (ص) و آیتین نامه الهی و مهترین و رساترین منبع فرهنگ اسلام است. این کتاب عزیز در جایگاه بلند هدایت انیسان، همچون مشعلی فروزان بر معبر تاریخ، انسان را از ظلمت به نور هدایت و ایسمان تراهنمایی می کند و سپیدی می بخشد.

۲- قرآن به تعبیر خودش «تبیاناً لکل شیء» «هدی للناس و بیات من الهدی و الفرقان» است، حقایق قرآنی، حقایق نهایی، قطعی و مطلق است و گذشت زمان و پیشرفت علوم و تکنولوژی، حقایق آن را فسخ نمی کند.

۳- پیغمبر خدا (ص) می فرماید، «هنگامی که فتنه ها، مانند شب ظلمانی از هر طرف شما را احاطه بکند دست به دامن قرآن بزنید، زیرا قرآن شفاعت گشندی است که شفاعتش پذیرفته می شود و یتکایت، کننده ای است که شکایتش قبول می شود، کسی که آن را راهنمای خود قرار دهد، او را به بهشت می کشاند و کسی که آن را پشت سر اندازد، او را به دوزخ می راند، قرآن به سوی بهترین راهها راهنمایی می کند، کتابین است که دارای تفضیل و بیان و نتیجه ایستد ظاهر و باطن دارد. مظاهرش

Handwritten marginal notes in Persian script, including the number ۱۰۰ and other illegible text.

آرمانهای مادی مربوط می شود. برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی وی، گناه به تفصیل و گناه به اجمال پاسخ داده است.

در آیه شریفه «تیناً لکل شیء» باید دانست که این بیان گاهی ظاهری است و باید که قرآن بیانگر هر چیزی است که بیان آن در شأن قرآن است، بیان فرمول بجنب اتم و جزئیات علوم فیزیکی و شیمی، شایان و رعایت قرآن نیست.

این قید در آیات دیگری نیز مشاهده می شود. قرآن در باره بقلیس می فرماید: «و اوتیت من کل شیء» (نمل: ۲۲)، یعنی سلطنت بقلیس هیچ نقصی نداشت و همه چیز را داده شده بود. بدیهی است که منظور از کل شیء: ذر آیه شریفه «هر چیزی که» شأن سلطنت او و امتیاز با حکومت او بود و نه اختیارش گذاشته شده بود. ولی اینها بیانها و موشک و تانک هم داشت (۵۸).

قرآن کریم کتاب هدایت است و برای نیل به این مهم به تمام ابعاد زندگی بشر نظر داشته و از همه راههای سالم و مفید بهره جسته است در طرح مباحث عقیدتی و اخلاقی گاهی به یک سلسله مباحث طبیعی نیز اشاره کرده است. این اشارات نه به قصد بیان و طرح مسأله علمی و تجزیه است بلکه زمینه ای است برای گردش دادن انسان به درک عظمت و رحمت و حکمت الهی و یادآوری نعمتهای او و نهایتاً شکرگزاری بندگانه و اطاعت و تسلیم آنان در برابر خدای تعالی است.

مطالعه و دقیق در این آیات و تئیل به هدایت لازم از رهگذر این آیات، بهم در گذشته و اهم در حال (عصر پیشرفت علوم و تکنولوژی) میسر و ممکن است اما بدیهی است که رشد علوم بزرگمانه

دانی و یاطنش علم است، بیرونش زیبا و درونش عمیق است. اسرار شگفت آن از شمار و بیرون است و هیچگاه گردد فرسودگی بر صفحه آثار. دلپذیرش نمی تشیند... (۵۷)

لذا تفسیر قرآن به هر روشی و مسیله که بخواهد دست به تفسیر بیازد، باید چنانچه قرآن را در هر حال و تحت هر شرایطی، عزیزتر و اصل میلم و قطعی بگیرد، و هر جا که تعارضی بین قرآن و غیر آن بنظر برسد، باید قرآن را مقدم داشت، چه رسیده به فرضیهها و تئوریهها و نظریات که در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحول بوده و خواهند بود.

۲- قرآن بیانگر هر چیزی است که بیانش در شأن قرآن باشد. قبلاً در ضمن یادآوری دلایل مخالفان تفسیر علمی، بیان داشتیم که اهتمام قرآن دینی و اعتقادی است و نه علمی. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که بیانگر چابچیت این کتاب الهی است. آیا معنای این قبیل آیات آن است که همه مباحث اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی و... به طوری تفصیل و مبسوط با ذکر جزئیات، در قرآن مؤثر و عنایت قرار گرفته است، آن طور که بعضی می پندارند؟

همچنین باید مشخص شود که هدف از این اشارات چیست؟ آیا هدف صرف بیان این مطالب مختلف است بدون آنکه بیا هدف کلی قرآن و رسالت آن ارتباطی داشته باشد؟ و یا اینکه اگر اشاراتی هست در جهت همان هدف کلی (هدایت و ارشاد) است؟

در اینجا باید گفت که نیازهای انسان به دو بخش عمده تقسیم می شوند: الف: نیازهایی که در جهت تحصیل سعادت و کمال معنوی و هدایت و تربیت است. ب: نیازهایی که به زندگی مادی و رفاهی مربوط است.

آگاهی بشر از تعبیر قرآنی، در هر دو جنبه است: بعد از شنیدن و بعد از
 میزان درک آن؛ استنباط افراد حق تجزیه‌ای آنرا بداند (۵۹)

۱- هر دو معنی ۲- هر دو معنی ۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی

۳- تفاوت حیطه معارف دینی و اهل علم (بشری) و اهل علم (عقلی)
 مفسر قرآن کریم باید بداند که حیطه معارف دینی، با
 حیطه معارف بشری، کاملاً از یکدیگر جداگانه است. معارف دینی
 بشری و از جمله علوم طبیعی، یافته‌های آن، پایانی
 در حیطه‌های دارد که قرآن کریم و ادیان دیگر آن را نپذیرفته‌اند
 ساکت و در آن قلمرو سلسله ندارد؛ چون شأن و مقام
 قرآن، بالاتر و مهم‌تر از اینهاست. البته در پانزدهم
 مواردی که ممکن است و وحدت حق و تعالی، نظر و قلمرو
 داشته باشند، به هر دو معنی ۲- هر دو معنی ۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی

۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۱۰- هر دو معنی

بحثهای توحیدی و توحیدشناسی و امثال اینها، پرده
 از روی یکسانیت مسئله تحقیق عقلی، بردارد و پذیرد و آن
 خواهد بود که در مجرای آن، نگذارند و علاوه بر نتایج
 توحیدی و اخلاقی که هدف اصلی آیات است، نشان
 نشان‌های بی‌حقیقت، قرآن و هم راهگشای معلوم و
 دانشها باشند. به هر دو معنی ۲- هر دو معنی ۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی

۱- هر دو معنی ۲- هر دو معنی ۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۲- هر دو معنی ۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۱۰- هر دو معنی

ثانیاً: دلالت آیات بر این قبیل مباحث
 آنچنان روشن و آشکار باشد که نیازی به بحث و تأمل و
 تکلف و تطبیق نباشد؛ باشد اگر باب مباحث است
 ساختگی در اینجا باز باشد؛ هم‌مصادق و مستقیم بر رأی
 خواهد بود که به هر دو معنی ۲- هر دو معنی ۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی

۱- هر دو معنی ۲- هر دو معنی ۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۲- هر دو معنی ۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۳- هر دو معنی ۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۴- هر دو معنی ۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۵- هر دو معنی ۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۶- هر دو معنی ۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۷- هر دو معنی ۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۸- هر دو معنی ۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۹- هر دو معنی ۱۰- هر دو معنی

۱۰- هر دو معنی

قرآنی است، (۶۳) مفسری که دارای گرایش علمی است باید مواظب باشد که مباداتاً قطعی گرفته و پاره‌ای نظریات و فرضیات این چنینی، علی‌رغم میل باطنی خود برای آشتی بین قرآن و علم، دست به تأویل ناروا بزنند، و صراحتاً آیات را فداي گرایش علمی خود نمایند.

ارزش نمی‌شوند. آری بحث ما در اینجا از اصول مسلم شرعی است نه از مسائلی که شرع مقدس در مورد آنها نظر قطعی و صریح خود را اعلام نکرده بلکه درک و شناخت دقیق آنها را به فکر و عقل و علم و تلاش خود آدمی واگذار نموده است. نظریه داروین در مورد خلقت انسان، خلافت نوح صریح

یادداشتها

- ۱- نور: ۳۵. و خدا نور آسمانها و زمین است...
- ۲- مانند آیه ۲۹ سوره انفال... ان تقوا الله یجعل لکم قرآنا...
- ۳- صرجون، محمد الصادق، القرآن العظیم، هدایه و اعجاز، مکتبه الکلیات الازهریه ۱۹۹۶، ص ۲۵۷.
- ۴- غزالی ابو حامد، جواهر القرآن، مکتبه الجندی، ص ۲۱-۳۴.
- ۵- همان مأخذ، ص ۳۴.
- ۶- رکت غزالی، ابو حامد، احیاء علوم الدین، ج ۱ (انتشارات) دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۱، ص ۲۹۶ نیز: ج ۳، ص ۱۲۵.
- ۷- الرومی فهد بن عبدالرحمن، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، چاپ اول، عربستان سعودی، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۶۳۹-۶۳۸.
- ۸- ططاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم المشتمل علی عجایب بدایع المکنونات و غرایب الایات الباهرات، مصطفی حلبی، چاپ دوم، ۱۳۵۰ هـ، ج ۲، ص ۲۰۷.
- ۹- همان مأخذ، ج ۱، ص ۷.
- ۱۰- همان مأخذ، ج ۱، ص ۲ و ج ۲، ص ۵۵.
- ۱۱- همان مأخذ، ج ۲، ص ۶۵.
- ۱۲- همان مأخذ، ج ۱، ص ۳۶.
- ۱۳- همان مأخذ، ج ۱، ص ۷۳ و ج ۱، ص ۲۵ و ج ۲، ص ۵۴.
- ۱۴- همان مأخذ، ج ۲، ص ۲۰۴.
- ۱۵- و بنگرید که در آسمانها و زمین چه هست...
- ۱۶- جواهر، پیشین، ج ۱، ص ۸۲.
- ۱۷- همان مأخذ، ج ۲، ص ۶۵ و ج ۲، ص ۲۱۰ و ج ۱، ص ۱۷-۱۶.
- ۱۸- همان مأخذ، ج ۲، ص ۵۵-۵۷.
- ۱۹- همان مأخذ، ج ۲، ص ۲۲۵ و ج ۳، ص ۱۹-۲۰.
- ۲۰- شریف، محمد ابراهیم، اتجاهات التجدید فی التفسیر القرآن فی مصر، قاهره، دار التراث، ص ۷۰۹.
- ۲۱- جواهر، پیشین، ج ۲، ص ۱۶-۳۰.
- ۲۲- سوره نیا، آیه ۱۴ از ابرهای باران زای آبی فراوان نازل کردیم.
- ۲۳- جواهر، پیشین، ج ۲، ص ۷۱-۷۸.
- ۲۴- ونگاهی به ستارگان کرد و گفت من بیمارم.
- ۲۵- جواهر، پیشین، ج ۱، ص ۳۰.
- ۲۶- و خداوند کسی است که چهارپایان را برای اینکه سوارشان شوید، فرار داد...
- ۲۷- جواهر، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۷.
- ۲۸- همان مأخذ، ج ۲، ص ۱۳-۱۹.

